

## نامنی‌های فرهنگی - سیاسی پیش روی انقلاب اسلامی با رویکردی بر اندیشه‌ی امام خمینی و آیت الله مطهری

سعید قربانی<sup>۱</sup>  
اکبر اشرفی<sup>۲</sup>

### چکیده

انقلاب اسلامی ایران در طول عمر ۳۷ ساله‌ی خود مشکلات و مسائل گسترده‌ای را تجربه کرده است و برای ادامه‌ی خود نیازمند آن است که به بازبینی مشکلات و موانع پرداخته و خطرات و صدمات فرا روی آن در آینده بازشناسی شود تا نامنی‌های فراروی آن نتوانند مانع حذف و بقاء و استمرار آن شوند البته نامنی‌های هر دوره ویژگی‌های خاص خود را دارد و با دوره‌های دیگر متفاوت است، بنابراین هراندازه که هدف عالی‌تر و از دسترس دورتر باشد امکان و فساد انقلاب کمتر خواهد بود، در این میان و در مسیر حرکت، مبارزه با آفات انقلاب از مسائل مهمی است که نیروهای انقلاب باید آن را شناسایی و رفع کنند، بدون تردید هر کشوری پس از انقلابی که در آن شکل می‌گیرد، با چالش‌ها و نامنی‌هایی مواجه می‌شود و کشور ایران هم از این امر مستثنی نیست. انقلاب اسلامی را نامنی‌هایی از درون و بیرون تهدید می‌کنند که منجر به افول آن گردد. نگارنده درصدد

---

۱. دانشجوی دکترای مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی ایران shahadat10425@gmail.com  
۲. استادیار دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی، تهران، ایران  
Akbarashrafi552@gmail.com  
تاریخ دریافت: ۹۶/۵/۱ تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۲/۱۸

است با توجه به رویکرد تحلیلی - توصیفی و با استفاده از روش اسنادی، نامی‌های فرهنگی - سیاسی پیش روی انقلاب اسلامی ایران را بر اساس اندیشه‌های امام خمینی ره و آیت الله مطهری، مورد بررسی قرار دهد و سؤال پژوهشی این که نامی‌های فرهنگی - سیاسی که آینده‌ی انقلاب اسلامی ایران را تهدید می‌کنند کدامند؟ و امام خمینی ره و آیت الله مطهری در رابطه با این نامی‌ها چه دیدگاهی دارند؟ یافته‌های پژوهش این که نامی‌های پیش روی انقلاب اسلامی از لحاظ فرهنگی و سیاسی موارد گسترده‌ای را در برمی‌گیرد و انقلاب اسلامی ایران اگر به دنبال اقتدار و پایداری است باید این نامی‌ها را شناسایی کند.

## واژگان کلیدی

نامی‌های فرهنگی - سیاسی، امام خمینی ره، آیت الله مطهری، انقلاب اسلامی.

## بیان مسئله

وقوع انقلاب اسلامی ایران در دهه‌های پایانی قرن بیستم، قرن که از آن به عصر پایان ایدئولوژی‌ها و پایان تاریخ تعبیر می‌شود، بسان موجی خروشان بر اندیشه‌ها و نظریه‌های مادی گرایانه‌ی غربی و شرقی فرود آمد و بساطی نو درآفکند، این انقلاب که برخلاف دیگر انقلاب‌های مدرن، از رویکردی دینی و معنوی برخوردار بود، از اساس نگرش دنیا محورانه و مادی گرایانه‌ی حاکم بر نظام تعامل جهانی را به چالش کشانید و در نتیجه یک ایدئولوژی با رویکرد اسلامی در کنار رویکردهای غربی و شرقی ظهور کرد که حاصل آن انقلاب اسلامی ایران است (محمدی، ۱۳۸۳: ۱۲). انقلاب اسلامی ایران و تشکیل دولت اسلامی در قرن بیستم حرکت عظیمی در بین مسلمانان ایجاد کرد و نشان داد که اسلام برای انسان و جامعه، ملاک‌های خاصی قرار داده و جامعه‌ی مطلوب دینی در بوت‌های آزمون حرکت عظیم ملت ایران، بهترین دستاورد را فراهم کرده است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۱: ۱۷۱).

کشتی انقلاب در راه رسیدن به سرمنزل مقصود ممکن است در دریای پرتلاطم حوادث با موانعی روبه رو شود، شرط رسیدن به ساحل نجات در درجه‌ی اول، تقویت نیروی محرکه‌ی کشتی انقلاب و در درجه‌ی دوم، شناخت و رفع موانع احتمالی است. تحقق آرمان‌های انقلاب، حفظ دستاوردهای آن، تنظیم سیاست‌های کلی نظام و حفظ مشروعیت حکومت، مشروط به شناخت دقیق آفات، موانع و

دشمنان داخلی و خارجی انقلاب است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۱: ۱۶۸). انقلاب‌ها و نهضت‌ها همانند پدیده‌های دیگر ممکن است دچار آسیب شوند، آسیب‌های انقلاب با شکل‌ها و چهره‌های گوناگون بروز می‌کنند؛ زیرا ممکن است ناشی عوامل فطری باشند و یا ممکن است ناشی از عوامل روانی و اجتماعی، به صورت نامحسوس جامعه‌ی انقلابی را تحت نفوذ و تأثیر خود قرار داده و خسارات خود را با تهی کردن انقلاب از محتوای اصلی و درونی آن، وارد نماید. لذا وظیفه‌ی رهبری انقلاب و همه‌ی مسئولان نظام این است که از ناامنی‌ها جلوگیری کرده و یا حداقل اگر جامعه دچار ناامنی شده، با تکنیک‌هایی که در اختیاردارند، آسیب شناسی کرده و درصدد رفع آن آسیب‌ها باشند. در صورت عدم توجه به آسیب‌ها یا سهل انگاری در توجه به آفات، قطعاً نهضت با بحران‌هایی روبه رو خواهد شد (طاهری، ۱۳۶۹: ۲۶۶). سوآلی که نگارنده درصدد پاسخ‌دهی به آن است، اینکه ناامنی‌های فرهنگی - سیاسی که آینده‌ی انقلاب اسلامی ایران را تهدید می‌کنند با تمرکز بر بیانات امام خمینی و آیت الله مطهری کدامند؟

نامنی‌هایی که ممکن است در آینده، انقلاب اسلامی ایران را مورد تهدید قرار دهند، ممکن است بعد اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و حتی نظامی باشند، ولی نگارنده در پژوهش حاضر درصدد است که ناامنی‌های فرهنگی و سیاسی را با تمرکز بر اندیشه‌های امام خمینی و آیت الله مطهری با استفاده از روش اسنادی موردبررسی قرار دهد و پژوهش در رابطه با موانع دیگر را به مقاله‌ی دیگری محول می‌کند. البته در رابطه با ناامنی‌های فرهنگی و سیاسی هم موارد قابل بررسی گسترده است و پژوهش زیر سعی بر این دارد که مواردی از این ناامنی‌ها را در این پژوهش بررسی کرده و بررسی موارد دیگری از ناامنی‌ها را به پژوهشی دیگر محول کند.

## الف) مبانی نظری پژوهش

### ۱. مدل تحلیلی اسپریگنز

مدل به کار گرفته شده در پژوهش حاضر مدل تحلیلی اسپریگنز است، اسپریگنز در فهم نظریه‌های سیاسی یا به تعبیر ما، اندیشه‌ی تغییر جامعه، چهار مرحله‌ی اساسی را مطرح می‌کند:

#### ۱,۱. بحران و مشاهده‌ی بی‌نظمی

بحران‌هایی که موجب می‌شوند، شخصی درصدد شناخت، کشف علل و یافتن راه حل برآید، به صورت متعدد ظاهر می‌شوند. مسئولان باید این آسیب‌ها را شناسایی و درصدد رفع باشند. در رابطه با تطبیق این مرحله با انقلاب اسلامی ایران، باید به این صورت مطلب را بیان کرد که هر انقلابی بعد از شکل

گیری دچار ناامنی می‌شود و این بر عهده‌ی مسئولان جامعه است که ناامنی‌ها را در جامعه تشخیص دهند.

#### ۲،۱. دلیل بحران‌ها و بی‌نظمی

بعد از این که مشکل به خوبی شناسایی شد، نظریه پرداز نمی‌تواند آرام بگیرد؛ لذا مصلح اجتماعی باید ریشه‌ی مشکل را پیدا کند. باید به مطالعه‌ی دقیق در دلایل یا علل بی‌نظمی و کارکرد نادرست اوضاعی که مشاهده کرده است، پردازد. کشف دلایل و یا علل موجبات مسائل اجتماعی به طور معمول، بسیار و دشوار است. مصلح اجتماعی در این مرحله باید نقش تحلیل‌گر را بازی کند (کافی، ۱۳۸۶: ۲۶). در رابطه با تحلیل این بخش از مرحله‌ی اسپریگنز در رابطه با ناامنی‌های فرهنگی - سیاسی پیش روی انقلاب اسلامی ایران، مسئولان و رهبران جامعه وقتی وضعیت بحران و آسیب را در جامعه لمس کردند باید به دنبال دلایلی باشند که زمینه‌های بحران و ناامنی را فراهم کرده است.

#### ۳،۱. تجویزها و راه درمان

بعد از پشت سر گذاشتن مرحله‌ی دوم، نوبت به سومین جزء از مدل تغییر اجتماعی می‌رسد که گاهی به عنوان ویژگی بارز نظریات اجتماعی تلقی می‌شود. منظور از این مرحله، مرحله‌ی ارائه راه‌حل است. در این مرحله باید مسئولان و رهبران جامعه درصدد ارائه‌ی راهکار و راه درمان برای رفع آسیب باشند.

#### ۴،۱. جامعه‌ی بازسازی شده (مطلوب)

مشاهده‌ی بی‌نظمی به غیر از مشکل تشخیص علل، مسئله‌ی دیگری را نیز پیش می‌کشد و آن مسئله چگونگی جامعه‌ی مطلوب است، چرا که بی‌نظمی و نابسامانی در جامعه، نه فقط انگیزه‌ی تفکر را برای مصلح اجتماعی فراهم می‌کند، بلکه سرخ‌هایی هم برای راه‌حل به او نشان می‌دهد. به عبارت دیگر، بحران‌ها، بی‌سامانی‌ها، و گسیختگی‌های جامعه، مصلح اجتماعی را وادار می‌کند که در فکر خود، به بازسازی نظام اجتماعی جدیدی پردازد (کافی، ۱۳۸۶: ۲۸). در رابطه با انقلاب اسلامی ایران هم وضعیت مطلوب زمانی است که ناامنی‌ها و آفت‌های پیش روی انقلاب اسلامی شناسایی و دلایل آنها مشخص گردد و بعد راه‌حلی برای رفع آنها در نظر گرفته شود تا مرحله‌ی آخر اسپریگنز که شکل‌گیری نظام بازسازی شده و مطلوب است حاصل گردد.

در پژوهش حاضر نویسنده درصدد است که از روش اسپریگنز استفاده کند که این نظریه دارای چهار مرحله است که مرحله‌ی اول آن مشاهده‌ی آسیب‌ها است که در این بخش نویسنده سعی بر

این خواهد داشت تا آسیب‌های پیش روی انقلاب اسلامی ایران را موردبررسی قرار دهد و در مرحله دوم بررسی دلایل بحران است که در پژوهش حاضر به صورت غیرمستقیم نیز به دلایل شکل دهنده به آسیب‌های پیش روی انقلاب اسلامی اشاره می‌گردد و در مرحله‌ی سوم ارائه‌ی راه حل است، که نویسنده با ارائه‌ی راه حل‌هایی سعی بر این دارد که مسیر صیانت در قبال آفت‌ها را مهیا کند و در رابطه با انقلاب اسلامی هم وضع به این شکل است که رهبران و مسئولان و روشنفکران جامعه در این مرحله سعی بر این خواهد داشت که راه کارهایی را برای رفع نامنی‌ها پیش روی انقلاب اسلامی ارائه دهند تا جامعه در مسیر آسیب و انحراف قرار نگیرد و در مرحله‌ی آخر بازسازی و شکل‌گیری جامعه‌ی مطلوب است که در آن نویسنده سعی دارد که با طی سه مرحله‌ی قبلی جامعه به وضعیت ایده‌آل برسد و در رابطه با انقلاب اسلامی هم رهبران و مسئولان جامعه وقتی مرحله‌ی سوم اسپریگنز را با موفقیت به اتمام رساندند انقلاب اسلامی در برابر آسیب‌ها صیانت می‌شود و جامعه مطلوب با ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی پایدار می‌ماند.

در این پژوهش سعی نویسنده بر این است که با استفاده از روش اسپریگنز نامنی‌های پیش روی انقلاب اسلامی را با تمرکز بر بیانات امام خمینی (ع) و آیت الله مطهری موردبررسی قرار دهد و در اینجا از دو مرحله‌ی اول یعنی مشاهده‌ی بی‌نظمی و بحران و مرحله‌ی دوم یعنی دلایل بحران اسپریگنز استفاده خواهد شد تا نشان داده شود که نامنی‌هایی که پیش روی انقلاب اسلامی هستند و به نوعی آینده انقلاب اسلامی را با تهدید مواجه می‌کنند کدامند البته در شناسایی نامنی‌های فرهنگی - سیاسی تمرکز مقاله بر روی نظرات و بیانات امام خمینی (ع) و آیت الله مطهری خواهد بود.

#### ب) نامنی‌های فرهنگی

آسیب شناسی فرهنگی طبعاً به بررسی آفات و نامنی‌هایی می‌پردازد که رنگ و لعاب فرهنگی دارند و عناصر شکل دهنده و سازنده‌ی عادات، رفتارها و کنش‌های رایج افراد یک جامعه را تحت تأثیر قرار داده‌اند. نامنی‌های این چنین، صرف نظر از میزان خسارات و تخریبی که بر مسائل روبنایی فرهنگ یک ملت یا جامعه وارد می‌سازند، آن‌چنان در متن فرهنگ اصیل آن ملت یا جامعه رسوخ می‌کنند که از درون هسته‌ی مقاومت افراد را در برابر مفاسد و آسیب‌های فرهنگی تضعیف و آسیب-پذیر می‌گردانند (رهنمائی، ۱۳۷۸: ۲۶).

عمده نامنی‌هایی که پیش روی انقلاب اسلامی ایران قرار دارند و آینده‌ی انقلاب اسلامی را با تهدید روبه رو می‌کنند بیشتر بعد فرهنگی دارند، این نوع نامنی‌ها باید در جامعه شناسایی شوند تا

آینده‌ی مطلوب‌تر برای انقلاب اسلامی ایران حاصل گردد، اسپریگنز در مدل تحلیلی که برای رسیدن به جامعه‌ی مطلوب و ایده‌آل خودش مطرح می‌کند به این ناامنی‌ها در جامعه اشاره می‌کند که باید موردتوجه قرار گیرند، که در صورت غفلت، زمینه‌های آسیب را در جامعه فراهم می‌کند و جامعه در مسیر بی‌نظمی قرار می‌گیرد، پس برای اینکه جامعه در مسیر آسیب‌ها واقع نشود و به شکل مطلوب برسد، باید ناامنی‌ها را شناسایی کند و در مرحله‌ی بعد درصدد رفع این ناامنی‌ها باشد. با توجه به مدل تحلیلی اسپریگنز به خصوص به مرحله‌ی دوم آن، یعنی شناسایی ناامنی‌های فرهنگی پیش روی انقلاب اسلامی، پژوهش زیر درصدد است که در این بخش از پژوهش، ناامنی‌های فرهنگی را از منظر امام خمینی ره و آیت الله مطهری موردبررسی قرار دهد.

### ۱. تهاجم فرهنگی

تهاجم فرهنگی هجوم به حیات معنوی و نظام ارزشی جامعه است، حیات هر جامعه به فرهنگ آن جامعه بستگی دارد و تهاجم فرهنگی، یعنی تهی کردن جامعه از فرهنگ خودی و جایگزینی فرهنگ موردنظر دشمن براندازی فرهنگی ممکن است از دو طریق صورت گیرد: تبلیغات و دیگری نیز نفوذ و استحاله. اما تهاجم فرهنگی عصر ما بیشتر تهاجم فرهنگی است که توسط صنایع فرهنگی امروز از کتاب و مطبوعات و سینما گرفته تا ماهواره و کامپیوتر و برنامه‌های نرم افزاری اجرا می‌شود.

بی‌تردید از این رو که دشمنان ایران پس از انقلاب توانایی ضربه زدن به نظام را نداشته‌اند، شیوه‌ی تهاجم و استحاله‌ی فرهنگی جامعه را برگزیده‌اند که کم‌هزینه‌تر و اثرگذارتر از راهکارهای نظامی است. از زمان وقوع انقلاب اسلامی تاکنون ارزش‌های اصیل اسلامی - ایرانی از هرگونه سیطره‌ی فرهنگی غرب بر جامعه ممانعت نموده، اما در صورت بی‌توجهی به این مسئله بسیار حیاتی، فرهنگ اصیل ایرانی - اسلامی نیز در سال‌های آتی با چالش روبه رو خواهد شد، سرعت جریان تبادل ارتباطات و فناوری رو به رشد جریان اطلاعات خطر بزرگی را پیش روی کشورهای همچون جمهوری اسلامی می‌نهد و این بحث تبلیغات ماهواره‌ای و شبکه‌های اینترنتی است که امروزه از آنها به قدرت نرم نیز یاد می‌شود. به نظر می‌رسد تقویت زیرساخت‌های فرهنگی جامعه و تلاش برای احیای فرهنگ‌های بومی و ملی از طریق مختلف (به ویژه رسانه‌ها در داخل و ایجاد شبکه‌های ماهواره‌ای) در جهت تبلیغ و نشان دادن چهره‌ی واقعی و اصیل فرهنگ اسلامی - ایرانی می‌تواند در آینده‌ی فرهنگ انقلاب اسلامی اثرگذار باشد (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۹: ۲۰۵).

امام خمینی ره در رابطه با تهاجم فرهنگی به عنوان یکی از ناامنی‌های جدی پیش روی انقلاب

اسلامی ایران می‌فرماید:

«راه اصلاح یک مملکت، فرهنگ آن مملکت است، اصلاح باید از فرهنگ شروع شود. دست استعماری داخل فرهنگ ما کارهای بزرگی می‌کند، نمی‌گذارد جوان‌های مستقل بار بیایند، نمی‌گذارد در دانشگاه جوان‌های ما درست رشد کنند، اینها را از بچگی یک طوری می‌کنند که وقتی بزرگ شدند اسلام هیچ و آنها همه، همه‌چیز» (امام خمینی، ۱۳۸۵ جلد ۱: ۳۹۰).

تهاجم فرهنگی این است که یک مجموعه سیاسی یا اقتصادی برای مقاصد سیاسی خودشان و برای اسیر کردن یک ملت، به بنیان‌های فرهنگی آن ملت هجوم می‌برند، آنها هم چیزهای تازه‌ای را وارد این کشور و این ملت می‌کنند اما با زور و به قصد جایگزین کردن آنها با فرهنگ و باورهای ملی، در تهاجم فرهنگی هدف، ریشه‌کن کردن فرهنگ ملی و از بین بردن آن است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۹: ۲۳) آیت الله مطهری در رابطه‌ی با این آسیب می‌فرماید:

«استعمار فرهنگی داریم که از استعمار سیاسی و اقتصادی و خطرناک‌تر است و اصلاً امکان ندارد که استعمار اقتصادی باشد بدون استعمار سیاسی و فرهنگی، پایه‌ی استعمار سیاسی و اقتصادی، استعمار فرهنگی است، مگر ممکن است ملتی را استعمار اقتصادی و سیاسی نکنند بدون آن که استعمار فرهنگی و فکری نکنند یعنی بدون آن که فکرش را هم طوری بسازند که با استعمار سیاسی و اقتصادی جور دربیاید؛ شخصیت فکری او را بگیرند، او را به آنچه مال خودش است بدبین کنند و به آن فکری که از ناحیه‌ی استعمارگر آمده خوش-بین کنند» (مطهری، ۱۳۷۲: ۱۶۳)

## ۲. اسلام منهای روحانیت

از نامنی‌های دیگری که آینده‌ی انقلاب اسلام ایران را با بحران روبه رو می‌کند وجود اسلامی بدون روحانیت است. با توجه به نقش مهم و مؤثر روحانیت در بیداری و آگاه‌سازی مردم، مستبدین داخلی و استعمارگران و دشمنان خارجی اسلام همواره علما و روحانیون بیدار و انقلابی را مانع تحقق اهداف استبدادی و استعماری می‌دانسته‌اند و لذا ایشان را آماج حملات خود قرار داده‌اند (میری، ۱۳۹۳). رهبران انقلاب بارها مردم و مسئولان را از وجود چنین طرز فکری آگاه می‌کردند تا قبل از شکل‌گیری آسیب صیانت شود. امام خمینی رهبر کبیر انقلاب اسلامی در رابطه با آسیب اسلام فارغ از روحانیت می‌فرماید:

«آخوند می‌خواهد مردم آزاد باشند، آخوند می‌خواهد استقلال باشد، آخوند با

توطئه مخالف است نه با آزادی (به این دلایل) اینها می‌خواهند که روحانیت را کنار بگذارند. آخوند یعنی اسلام، روحانیون با اسلام در هم مُدغمند» (صحیفه‌ی امام، ۱۳۸۵ ج ۷: ۴۶۱).

آیت الله مطهری در رابطه با اسلامی که بدون حضور روحانیت باشد و روحانیت در آن دخالتی نداشته باشند، می‌فرماید:

«تفکیک اسلام از روحانیت و تز اصلاح روحانیت و به اصطلاح تز آمریکایی اسلام منهای روحانیت و ... آفت‌ها ثانیاً دست‌هایی در کار است برای بازگرداندن اوضاع به حال سابق و ثالثاً گروه‌های چپ‌گرا هستند که اساساً می‌خواهند نهضت را به سوی کمونیسم سوق دهند. رابعاً گروه‌های لائیک هستند که می‌خواهند مانند نهضت مشروطه و نهضت استقلال عراق و نهضت ملی ایران پس از آنکه با قدرت روحانیت مرحله اول را که مرحله نفی و طرد دشمن است پشت سر گذرانند، کنار بزنند و بدنام کنند و خود به اصطلاح ثمر را بچینند» (مطهری، ۱۳۷۷: ۱۰).

### ۳. جدایی حوزه و دانشگاه

از ناامنی‌های فرهنگی دیگری که به نوعی آینده‌ی انقلاب اسلامی را تهدید می‌کند و مسئولان باید در صدد صیانت از آن باشند آسیب جدایی دو محور حوزه و دانشگاه است. پس از انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، پیوسته روابط این دو قشر تأثیرگذار، صمیمانه‌تر و به وحدت و یگانگی نزدیک‌تر شد. گرچه در برخی از موارد، دست‌های پنهان استکبار اختلافاتی در این صفا و محبت به وجود آورد، اما هرگز نتوانسته خلأیی کارساز در این روابط ایجاد کند. با وجود این هنوز وحدت حوزه و دانشگاه به حد مطلوب خود نرسیده است و موانع متعددی در راه رسیدن به درجه‌ی ایده‌آل آن وجود دارد (شایسته نژاد، ۱۳۹۰: ۴۶). در واقع یکی از کلیدی‌ترین مسائل اجتماعی و فرهنگی جامعه‌ی اسلامی ما حفظ و تقویت وحدت دو نهاد حوزه و دانشگاه است که جدایی آنها آفتی بزرگ به‌شمار می‌آید (باقر زاده، ۱۳۸۲: ۹۸). امام خمینی رحمته‌الله علیه همواره در سخنرانی‌های خود وحدت و دوری از تفرقه را معیار بیانات خود قرار داده است و به خصوص در رابطه با وحدت بین دو قشر حوزه و دانشگاه توجه خاصی داشته‌اند. امام خمینی رحمته‌الله علیه در رابطه‌ی وحدت بین حوزه و دانشگاه می‌فرماید:

«نظر به نقش حساس و سازنده‌ی حوزه‌ی علمی و مرکز دانشگاهی در نظام اسلامی، هماهنگی و وحدت این دو کانون عمده‌ی فرهنگی که نقش اساسی در



تربیت نخبگان جامعه و شکل دادن به فرهنگ اجتماعی دارند، همواره مدنظر بوده و هست، فهم نقش بنیادی این دو قشر، توسط دشمنان اسلام و انقلاب اسلامی بر دامنه‌های توطئه‌ها افزوده است؛ به نحوی که برای از بین بردن انسجام ملی و اجتماعی کشور، درصدد ایجاد افتراق و جدایی بین دو قشر روحانی و دانشگاهی برآمده تا زمینه‌ی انزوای هر یک از این دو قشر را در متن جامعه فراهم آورند» (امام خمینی، ۱۳۸۵ جلد ۲۱).

و درجایی دیگر امام خمینی<sup>۳</sup> در رابطه با وحدت حوزه و دانشگاه خاطرنشان می‌کند که من به شما و تمام نسل‌هایی که بعد از شما و ما خواهند آمد هشدار می‌دهم که ملت و روحانیت، دانشگاه و روحانیت از هم جدا نشوند که جدا شدن اینها از هم هلاکت ملت و هلاکت اسلام و هلاکت کشور است (اسدی مقدم، ۱۳۷۴: ۲۰۹).

در رابطه با دیدگاه و نقش آیت الله شهید مرتضی مطهری در رابطه با اتحاد دو حوزه‌ی دانشگاه و حوزه باید به این شکل مطرح کرد که آیت الله مطهری و آیت الله مفتاح به عنوان زمینه‌سازان وحدت حوزه و دانشگاه بودند و با ارتباطاتی که توسط این بزرگوار در سطح حوزه و دانشگاه صورت می‌گرفت زمینه‌ی نزدیکی هرچه بیشتر این دو حوزه فراهم شده بود آیت الله مفتاح و مطهری به خوبی درک کرده بودند که در صورت اختلاف و جدایی دو قشر حوزه و دانشگاه انقلاب اسلامی با آسیب‌هایی روبه رو می‌شود در نتیجه این دو بزرگوار تمام توان خود را برای ایجاد اتحاد بین این دو قشر به کار گرفتند تا انقلاب روند طبیعی و به دور از آسیب خودش را طی کند.

#### ۴. اندیشه‌های التقاطی

منظور از اندیشه‌های التقاطی یا ترکیبی، اندیشه‌ها و ایدئولوژی‌هایی است که از نظر ایدئولوژی، ریشه در دو یا چند مکتب دارند. این اندیشه‌ها در ایران از نظر ایدئولوژی، ترکیبی از اسلام و مکاتب وارداتی غربی یا شرقی هستند؛ وجه اشتراک تشکلهای التقاطی، شناخت سطحی از اسلام و عدم شناخت نظام جامع اسلامی می‌باشد و به خاطر ضعف در مبانی اعتقادی به دام ایدئولوژی غربی یا شرقی افتاده‌اند.

امام خمینی در رابطه با التقاط مکتب اسلام با مبانی مکتب‌های دیگر می‌فرماید:

«اسلام خود مکتبی است غنی که هرگز احتیاجی به ضمیمه کردن بعضی از مکاتب به آن نیست و همه باید بدانند که التقاطی فکر کردن خیانتی بزرگ به اسلام و مسلمین است که نتیجه و ثمره‌ی تلخ این نوع تفکر در سال‌های آینده

روشن می‌گردد» (امام خمینی، ۱۳۸۵ جلد ۱۲ : ۲۰۸).

در مقابل تمسک به اسلام ناب، تجددگرایی افراطی یا التقاطی و زهدگرایی منفی قرار دارد، تجددگرایی افراطی، تلفیق اسلام با اندیشه‌های غیر اسلامی برای زیبا جلوه دادن آن می‌باشد (باقر زاده، ۱۳۸۲: ۹۶).

آیت الله مطهری در رابطه با اندیشه‌های التقاطی به عنوان یکی از آسیب‌های پیش روی انقلاب اسلامی می‌فرماید:

«اگر قرار شود به اسم اسلام، یک مکتب التقاطی درست شود و روشمان این باشد که از هر جایی چیزی اخذ کنیم، یک چیزی از مارکسیسم بگیریم، یک چیزی از اگزیستانسیالیسم بگیریم و چیز دیگری از سوسیالیسم بگیریم و از اسلام هم چیزهایی داخل کنیم و از مجموع اینها معجونی درست کنیم و بگوییم این است اسلام، ممکن است مردم در ابتدا این امر را بپذیرند ولی این امر برای همیشه مکتوم نمی‌ماند و افرادی صاحب تحقیق پیدا می‌شوند و به خرده‌گیری از اسلام می‌پردازند» (مطهری، ۱۳۷۲: ۶۶).

#### ۵. انحراف از ارزش‌های اسلامی

یکی از ناامنی‌های اساسی پیش روی انقلاب اسلامی، انحراف از ارزش‌های اسلامی و روی آوردن و جایگزین سازی ارزش‌های برخلاف مبانی اسلامی به جای آن است. از منظر امام خمینی ﷺ یکی از عوامل شکست انقلاب اسلامی، کاهش اهداف نهضت به اهداف مادی، جایگزین شدن ضد ارزش‌ها به جای ارزش‌ها و اعتقادات، تحریف آرمان‌ها و ارزش‌ها و گرایش به رفاه طلبی و تجمل‌گرایی است. امام خمینی در این باره می‌فرماید:

«مگر این انقلاب برای این بوده است که یک خانه‌ای به مردم بدهد، یک کسب و کاری برای مردم ایجاد بکند این انقلاب برای خدا بوده و برای اسلام» (صحیفه ی امام، ۱۳۸۵ ج ۱۳: ۱۲۶).

به همین جهت امام ﷺ غفلت از مقصد اسلامی را مایه توقف نهضت می‌دانند. از سوی دیگر امام انحراف فرهنگی و اخلاقی را نیز از عوامل شکست انقلاب قلمداد نموده و معتقد بودند رواج شهوت‌رانی و فساد اخلاقی در جامعه و بویژه در دانشگاه‌ها و نفوذ فرهنگ بیگانگان در جامعه، موجب آن می‌شود که مردم از آرمان‌های انقلاب غفلت کنند که حاصل آن روبه رو شدن انقلاب با آسیب‌های

جدی است.

آیت الله مطهری یکی از آسیب‌های اساسی پیش روی انقلاب اسلامی را انحراف از ارزش‌های اسلامی می‌داند:

«آنچه را که قرآن با اهمیت می‌داند، عملاً کم‌اهمیت بشمارد و آنچه را که قرآن اهمیتی نمی‌دهد، با اهمیت بشمارد. این خودش نوعی کج‌روی و انحراف از مسیر تعلیمات قرآن است. یعنی ما نباید قرآن را مطابق ذائقه خودمان تفسیر کنیم و یا مورد استشهادهای قرار دهیم، بلکه اگر می‌خواهیم قرآن پیشوای ما باشد و ذوق ما ساخته شده قرآن باشد، باید ذوق خودمان را بر قرآن تطبیق دهیم» (مطهری، ۱۳۸۷ جلد ۱۲: ۶۲).

#### ۶. تجددگرایی افراطی

از نامنی‌های دیگری که آینده انقلاب اسلامی ایران را با تهدید روبه‌رو می‌کند بحث تجددگرایی افراطی است. تأثیرپذیری شتاب‌زده از فرهنگ بیگانه و باور این نکته که سعادت و رشد ما در گرو پذیرش بی‌چون و چرای فرهنگ و عملکرد بیگانه است، اثر هجوم افکار بیگانگان غربی و شرقی در کشورهای اسلامی بود، این عامل نیز یکی از مشکلات مهم در استقرار فرهنگ و حکومت دینی و استقلال عزت اسلامی به‌شمار می‌رفت (رضائی مهر، ۱۳۸۱: ۱۱۳). امام خمینی در رابطه با تجددگرایی افراطی می‌فرماید:

«پرهیزید و بر حذر باش‌ای برادر روحانی و دوست عقلانی، از این اشباح تمدن و تجدد که آنان ستوری رمیده و گرگ‌هایی درنده و شیطانی انسان‌نما هستند» (امام خمینی، ۱۳۸۵ جلد ۱: ۱۱).

آیت الله مطهری یکی از نامنی‌هایی را که انقلاب اسلامی را مواجه با آن می‌دانست در رابطه با تجددگرایی افراطی است که در این باره می‌فرماید:

«پرهیز از افراط و تفریط و گرایش به اعتدال در هر کاری خالی از دشواری نیست، گویی همیشه راه اعتدال یک خط باریک است که اندک بی‌توجهی موجب خروج از آن است، این که در آثار دینی وارد شده که "صراط" از "مو" باریکتر است اشاره به همین نکته است که رعایت اعتدال در هر کاری سخت و دشوار است. بدیهی است که مشکلات جامعه‌ی بشری نو می‌شود و مشکلات نو

راه حل نو می‌خواهد "الحوادث الواقعة" چیزی جز پدیده‌های نوظهور نیست که حل آنها بر عهده‌ی حاملان معارف اسلامی است. برخی آن چنان عوام‌زده هستند که تنها معیارشان سلیقه‌ی عوام است و عوام هم گذشته گراست و به حال و آینده کاری ندارد. برخی دیگر که به مسائل روز توجه دارند و درباره‌ی آینده می‌اندیشند، متأسفانه سخاوتمندانه از اسلام مایه می‌گذارند. سلیقه‌ی روز را معیار قرار می‌دهند و به نام "اجتهاد آزادی" به جای آن که اسلام را معیار حق و باطل زمان قرار دهند» (مطهری، ۱۳۸۲: ۸۵).

#### ۷. تحجر و جمود فکری مقدس نماها

از دیگر ناامنی‌های پیش روی انقلاب اسلامی وجود همین قشر متحجر و مقدس نمایان هستند. این شأن اجتماعی، در مسیر تجهیز شناختی واقعی سنگ‌اندازی می‌نماید. برای گسترش اسلام، شناخت این نیرو و تمیز آن از نیروهای اسلامی واقعی، ضروری هست. این گروه با تظاهر به تعبد و زهد، می‌تواند بزرگ‌ترین چالش و مانع را برای اندیشه‌های اسلامی و دینی به بار آورد. چهره‌هایی آراسته و متظاهر به دیانت و زهد، ضربه‌ای بزرگ بر پیکر واحدهای سیاسی اسلامی وارد می‌آورند. ایشان مؤکداً معتقد بود بزرگ‌ترین ضربه‌ها را اسلام در طول تاریخ حیات خود، از این مقدس نماها خورده است. ایشان می‌فرمایند:

«کج‌فهمانی که حتی با تشکیل حکومت اسلامی مخالف، و آن را از حکومت طاغوت بدتر می‌دانند! ... بازیگرانی که برای عقب نگه داشتن مسلمانان و باز کردن راه برای غارتگران و سلطه جویان، اسلام را در کنج مساجد و معابد محصور نموده‌اند و اهتمام به امر مسلمین را برخلاف اسلام و وظایف مسلمانان و علمای اسلام معرفی می‌کنند (صحیفه امام، ۱۹: ۲۱).

وجود قشر متحجر از جمله آسیب‌هایی است که هر انقلابی و هر مکتبی را از درون می‌پوساند، آیت الله مطهری با مثال عبده در رابطه با قشر متحجر و مقدس مآب می‌فرماید:

«عبده در جستجوی راه‌حلی بود که از طرفی در اثر جمود فکری و قشری مآبی برخی علمای دینی، اسلام مانع پیشرفت و تکامل جامعه مصری تلقی نشود و همین جهت نیروهایی را از خود مسلمانان علیه اسلام برنینگیزد و از طرف دیگر به نام انطباق اسلام با علم، افراطکاری‌ها صورت نگیرد، اصول و مقررات اسلامی با ذوقها و سلیقه‌های باب روز تطبیق داده نشود و به شکلی دیگر عملاً اسلام از

صحنه خارج نگردد» (مطهری، ۱۳۸۲: ۴۱).

#### ۸. تحریف و انحراف

از دیگر نامنی‌هایی که آینده‌ی انقلاب اسلامی ایران را با تهدید روبه رو می‌کند و نیاز بر این دارد که در آن تأملی جدی صورت گیرد، آسیب تحریف و انحراف است، افرادی از روی جهالت و افرادی به صورت مغرضانه درصدد هستند که زمینه‌های انحراف و تحریف در آرمان‌های انقلاب اسلامی را به وجود آورند و در پشت این قضایا نظام استکباری قرار دارد که هرلحظه منتظر است راه نفوذی داشته باشد. به خاطر همین امام خمینی ره بارها بر قضیه‌ی نفوذ انحرافی‌ها در انقلاب و یا ایجاد تحریف در آن آگاهی داده‌اند. امام خمینی ره در رابطه با آسیب تحریف و انحراف در قبال انقلاب اسلامی می‌فرماید:

«باید این نهضت را ثبت کنیم تا سرمشق جوامع و نسل‌های آینده گردد. لازم است برای بیداری نسل‌های آینده و جلوگیری از غلط‌نویسی مغرضان، نویسندگان متعدد با دقت تمام به بررسی دقیق تاریخ این نهضت اسلامی بپردازند و قیام‌ها و تظاهرات مسلمین ایران را در شهرستان‌های مختلف با تاریخ و انگیزه آن ثبت نمایند تا مطالب اسلام و نهضت روحانیت سرمشق جوامع و نسل‌های آینده شود» (صحیفه‌ی امام، ۱۳۸۵ ج ۳: ۴۳۴).

پس یکی از محورهای حفظ و صیانت انقلاب اسلامی ایران مقابله با انحرافات و تحریفات است. آیت الله مطهری در رابطه با نامنی تحریف و انحراف در فرآیند انقلاب اسلامی با مثالی می‌فرماید:

«مگر انقلاب صدر اسلام را بنی‌امیه با یک تردستی تحریف نکردند؟ یک انقلاب صد در صد اسلامی که چیزی که در آن وجود نداشت ریشه‌های قومی و نژادی و خونی بود، یک وقت دیدیم آن را به یک انقلاب قومی و نژادی و خونی تبدیل کردند و گفتند این، انقلاب عرب بود علیه غیر عرب، برای سیادت عرب بر غیر عرب بود. یعنی یک تحریف» (مطهری، ۱۳۸۲: ۱۲۹).

#### ۹. از دست دادن روحیه‌ی انقلابی

یکی دیگر از آفت‌های انقلابی، سستی در جناح انقلابیون هست، کناره‌گیری از صحنه به دلیل موفقیت انقلاب و به ثمر رسیدن آن، خستگی و یأس از انقلاب به دلیل مواجه شدن با مشکلات و عدم موفقیت در حل آنها، ناامیدی از پیاده شدن معیارهای ایدئولوژیکی و ... همه‌ی اینها خود آفات

انقلاب‌اند که باید نیروهای انقلابی توجه داشته باشند و همان شور و شوق زمان انقلاب را در خود حفظ نموده و در برابر مشکلات کمر خم نکرده و در مقابل همه‌ی شدائد استقامت به خرج دهند تا انقلاب به طور کامل به ثمر بنشیند، و از خطر سقوط رهایی باید وگرنه با کمترین سستی و کناره‌گیری، انقلاب با امواج خطرناک مواجه خواهد شد (طاهری، ۱۳۶۹: ۲۷). امام خمینی ره در رابطه با تضعیف روحیه‌ی انقلابی می‌فرماید:

«خدا نکند که دست‌هایی که الان در کار هست و می‌خواهند شمارا مأیوس بکنند. اینها در این شیطنتشان پیروز بشوند و شما را از آن حالی که در اول انقلاب داشتید منحرف کنند که آن روز، روزی است که خدای تبارک و تعالی عنایتش را خدای نخواستہ از شما برمی‌دارد و شما به همان حال‌ها می‌افتید، حفظ کنید آن حالی که در اول نهضت داشتید و مادامی که این حال حفظ بشود شما پیروز هستید» (امام خمینی، ۱۳۸۵ جلد ۱۲: ۳۸۰).

دشمنان انقلاب، انقلابی‌گری را هرج و مرج معنا می‌کنند تا راهی برای شماتت انقلابیون داشته باشند، درحالی‌که انقلابی‌گری یعنی حفظ روحیه‌ی عصیان نسبت به زشتی‌ها و اخلاق ناپسندی که موجب سقوط انسان و اجتماع در ورطه‌ی خودخواهی و ابتذال و پشت پا زدن به اصول می‌شود، دشمنان انقلاب خواستار آرامش و سکوت‌اند تا در غفلت ناشی از آن هواپرستی را حاکم کنند. مگر دشمنان انقلاب و شیطان دست از اهداف شوم خود برداشته‌اند که باور کنیم شوریدن بر ضد توطئه‌های آنها به فراموشی سپرده شود (باقر زاده، ۱۳۸۲: ۱۰۱). آیت الله مطهری در رابطه‌ی با حفظ روحیه انقلابی همراه با تقوا می‌فرماید:

«از نگاه آیت الله مطهری حفظ ماهیت اسلامی نظام و روحیه دینی انقلابیون یکی از عوامل تداوم انقلاب اسلامی است، نباید پیروزی و بهره‌گیری از امکانات قدرت سیاسی باعث شود روحیه دینی و تقوا از بین برود. انقلاب جهاد اصغر است و حفظ تقوای الهی جهاد اکبر با از بین رفتن روحیه دینی مسئولین و انقلابیون، انقلاب نیز از بین خواهد رفت.»

### ج) ناامنی‌های سیاسی

بعد دیگری از ناامنی‌هایی که آینده‌ی انقلاب اسلامی را با تهدید روبه رو می‌کنند، ناامنی‌های سیاسی هستند، در این بخش از پژوهش سعی شده است که ناامنی‌های سیاسی از منظر امام خمینی و آیت

الله مطهری با توجه به مدل تحلیلی اسپریگنز مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد، همان‌طور که در مدل تحلیلی اسپریگنز اشاره شد، جامعه چهار مرحله وجود دارد که جامعه باید آنها را سیر کند تا به وضعیت مطلوب و ایده‌آل برسد که مرحله‌ی نخست آن مشاهده‌ی بی‌نظمی و بحران در جامعه است و مرحله‌ی دوم آن شناسایی بحران و بی‌نظمی است که در پژوهش زیر این قسمت از تحلیل اسپریگنز بیشتر مدنظر می‌باشد، آسیب‌ها و بحران‌ها باید شناسایی شوند، چون بعد از مرحله‌ی شناسایی آسیب است که نوبت به تجویز دارو و راه درمان می‌رسد، تا این‌که نهایتاً نامنی‌ها رفع شده و جامعه در وضعیت ایده‌آل و مطلوبش قرار گیرد. در این قسمت، پژوهش زیر درصدد است که نامنی‌های سیاسی پیش روی انقلاب اسلامی از منظر امام خمینی و آیت الله مطهری را مورد بررسی قرار دهد.

### ۱. تفرقه و اختلاف

از مهم‌ترین نامنی‌هایی که انقلاب اسلامی را با تهدید روبه‌رو می‌کند همین بحث وجود اختلاف و تفرقه است، جامعه باید از این معضل اجتناب کرده و در مسیر وحدت قرار گیرد. همان‌گونه که وحدت و یکپارچگی ملت و مسئولین و گردانندگان انقلاب مایه‌ی پیروزی انقلاب است، اختلاف و تشتت ملت باهم و یا اختلاف مسئولین رده‌ی بالای نظام که قهراً موجب دودستگی مردم نیز خواهد شد، باعث شکست انقلاب و به سقوط کشیدن آن خواهد بود، لذا برای حفظ انقلاب باید از هر نوع اختلاف و تشتت که به‌حق بدترین آفت انقلاب است، پرهیز نمایند و گرنه باوجود اختلاف، نفوذ ابرقدرت‌ها و دشمنان در یک طرف درگیر آسان بوده و شکست انقلاب حتمی خواهد شد (طاهری، ۱۳۶۹: ۲۷۰).

بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران پیوسته بر دوری از تفرقه و لزوم وحدت برای تداوم انقلاب تأکید داشتند (باقر زاده، ۱۳۸۲: ۹۹). امام خمینی<sup>۳</sup> ایران را به لحاظ ساختاری مستعد تفرقه دانسته و زمینه‌هایی چون وجود قبائل و عشایر مختلف، موقعیت جغرافیایی، تنوع زبانی و مذهبی و درنهایت تنوع خواستگاه فکری روشنفکری، یعنی وجود حوزه و دانشگاه را از عوامل تفرقه به‌شمار آورده‌اند. از این‌رو، به اعتقاد امام عواملی چون ملیت، زبان، و وحدت مکانی نمی‌توانند به عنوان محورهای اتحاد مورد تأکید قرار گیرند و به جای آن اسلامیت و آن هم در مفهوم عالی و سطحی فراتر از تفسیرهای فرقه‌ای می‌تواند عامل انسجام ایران باشد و در غیر این صورت انقلاب اسلامی در آینده دچار اختلاف و تشتت و در نتیجه با آسیب روبه‌رو می‌شود.

امام خمینی در رابطه با تفرقه به عنوان یکی از محورهای اصلی تهدیدکننده‌ی انقلاب اسلامی

می‌فرماید:

«این‌جانب به همه‌ی نسل‌های حاضر و آینده‌ی وصیت می‌کنم که اگر می‌خواهید اسلام و حکومت الله برقرار باشد، و دست استعمار و استعمارگران خارج و داخل از کشورتان قطع شود، این انگیزه‌ی الهی (وحدت) را که خداوند تعالی در قرآن کریم بر آن سفارش نموده است از دست ندهید و در مقابل این انگیزه که رمز پیروزی و بقای آن است، فراموشی هدف و تفرقه و اختلاف است» (امام خمینی، ۱۳۷۳: ۲۰).

پس از مهم‌ترین و کمرشکن‌ترین آسیب‌های که انقلاب اسلامی ایران را با تهدید مواجه می‌کند تفرقه و اختلاف است، آیت الله مطهری در این رابطه می‌فرماید:

«الان قرائن و امارات نشان می‌دهد که آنگونه که انقلاب در وقتی که در حال کوبیدن دشمن بیرونی بود قدرت و قوت و نشاط داشت و پیروزی بعد از پیروزی به دست می‌آمد، از وقتی که به حالت سازندگی افتاده است آن نشاط و آن قدرت و قوت در آن نیست، یک نوع تشمت و تفرقه در آن وجود دارد، البته این تشمت و تفرقه را نباید یک امر غیرمترقبه تلقی کرد، پیش‌بینی می‌شد، خود ما این حرف را مکرر می‌گفتیم که این وحدت و یکپارچگی امروز در میان مردم دیده می‌شود مسلم با رفتن شاه به این شکل نخواهد ماند، شکل دیگری پیدا می‌کند» (مطهری، ۱۳۷۲: ۵۹).

## ۲. سکولاریسم

از ناامنی‌های دیگری که در فرآیند انقلاب اسلامی باید به آن توجه کرد، بحث سکولاریسم می‌باشد، مطابق با دیدگاه سکولاریسم، اعتقاد و سیاست و امور اجتماعی حوزه‌ای خاص از رفتارهای انسانی و اجتماعی است که هر یک علم خاص خود را دارند. بنابراین در این‌گونه امور نباید به دخالت دین و اصول دینی اندیشید، بلکه عالمان هر حوزه باید به طراحی برنامه‌های خود بر مبنای اصول علمی که فراگرفته‌اند بپردازند. از این رو، جمهوری اسلامی ایران که همواره به عنوان کشوری اسلامی، سیاست را لازم دین و اخلاق دانسته، می‌باید به تقابل با سکولاریسم بپردازد. از آنجاکه گفتمان انقلاب بر پایه‌ی سیادت معنویت و دین‌سالاری است، طبعاً در مسیر خود چالش‌هایی چون سکولاریسم را پیش رو خواهد داشت (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۹: ۲۰۶) ترویج اندیشه‌ی سکولاریسم برای انقلابی که بر اساس یگانه‌انگاری دین و سیاست است پا گرفته و جوهره‌ی آن را برآمدن سیاست از دین تشکیل



می‌دهد، سم مهلکی است که به پایه‌های آن آسیب جدی و جبران‌ناپذیری وارد می‌سازد، این‌همانی دین و سیاست از قوی‌ترین نقاط یک جامعه‌ی دینی به‌ویژه در عصر جدید به‌شمار می‌آید، ساده‌ترین و بهترین وضعیت برای یک جامعه‌ی دینی پذیرش این نکته است که دین و سیاست را جفتی توأمان بدانند (باقر زاده، ۱۳۸۲: ۹۸)

امام خمینی ره در رابطه با سکولاریسم به عنوان یکی از آسیب‌های جدی پیش روی انقلاب اسلامی ایران می‌فرماید:

«البته در اذهان بسیاری، بلکه اکثری از اهل علم، بیشتری از مقدسین این است که اسلام به سیاست چه کار دارد، اسلام و سیاست جداست از هم، اما عرض کنم که احکام سیاسی اسلام بیشتر از احکام عبادی آن است، کتاب‌هایی که اسلام در سیاست دارد بیشتر از کتاب‌هایی است که در عبادت دارد» (امام خمینی، ۱۳۸۵ جلد ۳: ۲۲۷).

آیت الله مطهری در رابطه‌ی با سکولاریسم می‌فرماید:

«مسئله عدم جدایی دین از سیاست را مطرح کردند و این که در اسلام دین از سیاست جدا نیست. جدایی دین از سیاست زیاد مطرح شده بود ولی وقتی که مردم از زبان یک مرجع تقلید در کمال صراحت می‌شنوند که دین از سیاست جدا نیست، خود را با آن تطبیق می‌دهند، ای کسی که از سیاست کشور دوری کرده‌ای، تو از دین دوری کرده‌ای، این امر نقش زیادی در این بسیج عمومی داشت» (مطهری، ۱۳۷۲: ۸۷).

با توجه به این مطلب شهید مطهری در رابطه با سکولاریسم حاصل این که یکی از آفت‌های پیش روی انقلاب، مسئله‌ی سکولاریسم است که در اثر عدم بصیرت و ناآگاهی مردم می‌تواند در بستر جامعه نفوذ کرده و در نتیجه انقلاب اسلامی را از هویت اصیل خود تهی کند.

### ۳. رخنه‌ی افراد فرصت طلب

فرصت طلب کسی است که نسبت به آرمان‌های انقلاب بی‌اعتماد بوده یا بی‌تفاوت بوده و در تلاش برای تأمین منافع شخصی خویش است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۱: ۱۷۲) زمانی این نامنی بروز می‌کند که رهبران خاطی از اصول انقلاب، درصدد جایگزینی نیروهای ریزش شده با نیروهای جدید برآیند که چنین شرایطی فرصت لازم برای رخنه و نفوذ فرصت طلبان و ناهلان را فراهم می‌سازد

(خرم شاد، ۱۳۸۰: ۵۱).

در تمام انقلاب‌ها فرصت طلبان با تغییر ظاهر خود و با فریب انقلابیون واقعی در ارگان‌ها و نهادهای مختلف جامعه حتی در دستگاه رهبری نفوذ نموده و اگرچه ظاهراً انقلابی‌تر از انقلابیون اصیل هستند ولی چون اعتقادی به آرمان‌های انقلاب ندارند، موجبات انحراف و قلب ماهیت انقلاب را فراهم می‌آورند (طاهری، ۱۳۶۹: ۲۶۷). امام خمینی ره در رابطه با رخنه‌ی افراد فرصت طلب بر انقلاب اسلامی می‌فرماید:

«آنهایی که به فرصت طلبی امروز در میدان آمدند، آنهایی که با این نهضت موافقت نداشتند، آنهایی که مسیرشان برخلاف این نهضت بود، برای فرصت طلبی به میدان آمدند، احزابی که اسمی از آنها نبود، گروه‌هایی که اسمی از آنها نبود در این نهضت، امروز می‌خواهند پیش‌قدم بشوند، باید ملت ایران بیدار باشد» (امام خمینی، ۱۳۸۵ جلد ۷: ۱۳۳).

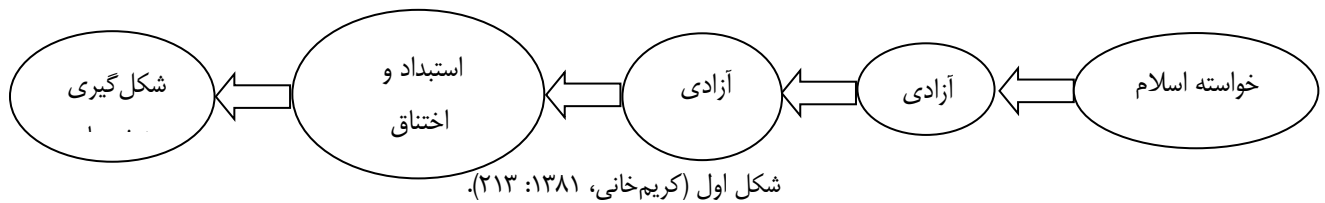
در رابطه با خطر رخنه‌ی فرصت طلبان در انقلاب اسلامی آیت الله مطهری بیان می‌دارد که:

«همیشه یک نهضت بعد از آنکه پیروز شد و یا قبل از آن که پیروز بشود در وقتی که آثار و علائم پیروزی پیدا می‌شود و دوران سختی‌های محض منقضی می‌گردد، فوراً افراد فرصت طلب که از هر فرصتی استفاده می‌کنند خودشان را می‌اندازند توی نهضت و بعد هم آن چنان تندتر از دیگران شعار می‌دهند و داد و فریاد می‌کنند که صدای انقلابیون اول را تقریباً تحت الشعاع قرار می‌دهند و اگر مراقبت نشود و جلوی این فرصت طلب‌ها اعم از افراد فرصت طلب یا گروه‌های فرصت طلب گرفته نشود، قهراً نهضت به خطر خواهد افتاد» (مطهری، ۱۳۷۴: ۲۳).

#### ۴. سوء استفاده از آزادی

یکی از چهارستون نظام اسلامی در اندیشه‌ی امام خمینی ره، آزادی است، از نظر ایشان هر حکومتی که میل به استبداد کند، طاغوت است زیرا خلاف موازین اسلامی عمل کرده است. امام خمینی یکی از آسیب‌های مهم نظام اسلامی را سوء استفاده از آزادی دانسته و تذکر می‌دهند شکر نعمت آزادی حفظ حدود آن است و اگر حدود آن حفظ نشود ممکن است به حالت سابق برگردیم (حاجی‌زاده، ۱۳۸۳: ۴۴).

مدل زیر اقتباسی از اندیشه‌ی امام در رابطه با آزادی است:



امام خمینی در رابطه‌ی با سوء استفاده از آزادی می‌فرماید:

«ما بنای این نداریم که یک تحمیلی به ملتمان بکنیم و اسلام به ما اجازه نداده است که دیکتاتوری کنیم، ما تابع آراء ملت هستیم، ملت ما هر طوری رأی داد ما هم از آنها تبعیت می‌کنیم، ما حق نداریم، خدای تبارک و تعالی به ما حق نداده است، پیغمبر اسلام به ما حق نداده است که ما به ملتمان یک چیزی را تحمیل بکنیم» (امام خمینی، ۱۳۸۵ جلد ۱۱: ۳۴).

آیت الله مطهری در رابطه با سوء استفاده از آزادی می‌فرماید:

«وظیفه‌ی حتمی همگی ما این است که به آزادی‌ها به معنای واقعی کلمه احترام بگذاریم، زیرا اگر بنا شود حکومت جمهوری اسلامی، زمینه‌ی اختناق را به وجود بیاورد قطعاً شکست خواهد خورد، البته آزادی غیر از هرج و مرج است و منظور آزادی معقول است» (مطهری، ۱۳۷۲: ۶۲).

##### ۵. نفوذ اندیشه‌های بیگانه

یکی دیگر از نامنی‌هایی را که انقلاب اسلامی ایران ممکن است طی روند خودش با آن روبه رو شود نفوذ اندیشه‌های بیگانه است، اندیشه‌های بیگانه ممکن است از طریق دشمنان یا دوستانی که مجذوب آراء دیگران شده‌اند، نفوذ کنند، نمونه‌ی این گرایش‌ها در جریان‌ات قرون اولیه‌ی اسلام دیده می‌شود، مثلاً مجذوب شدن به فلسفه‌ی یونانی و آداب و رسوم ایرانی و تصوف هندی و نظریات و اندیشه‌هایی را به عنوان خدمت و نه به قصد خیانت وارد اندیشه‌های اسلامی کردند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۱: ۱۷۰). امام خمینی  $\text{ؑ}$  در رابطه با نفوذ اندیشه‌های بیگانه می‌فرماید:

«بر ملت و دولت جمهوری اسلامی است در همه‌ی اعصار که نگذارند عناصر فاسد دارای مکتب‌های انحرافی یا گرایش به غرب و شرق و در دانش‌سراها و دانشگاه‌ها و سایر مراکز تعلیم و تربیت نفوذ کنند و از قدم اول جلوگیری نمایند

تا مشکلی پیش نیاید و اختیار از دست نرود» (امام خمینی، ۱۳۸۵ جلد ۲۰: ۴۳۰).

آیت الله مطهری در رابطه‌ی با نفوذ اندیشه‌های بیگانه به عنوان یکی از آسیب‌های سیاسی می‌-

فرماید:

«اندیشه‌های بیگانه از دو طریق نفوذ می‌کنند؛ یکی از طریق دشمنان، هنگامی که یک نهضت اجتماعی اوج می‌گیرد و جاذبه پیدا می‌کند و مکتب‌های دیگر را تحت الشعاع قرار می‌دهد، پیروان مکتب‌های دیگر برای رخنه کردن در آن مکتب و پوسانیدن آن از درون، اندیشه‌های بیگانه را که با روح آن مکتب مغایر است وارد آن مکتب می‌کنند و آن مکتب را به این ترتیب از اثر و خاصیت می‌اندازند و یا کم اثر می‌کنند. دیگر از طریق دوستان و پیروان: گاهی پیروان خود مکتب به علت ناآشنایی درست با مکتب، مجذوب یک سلسله نظریات و اندیشه‌های بیگانه می‌گردند و آگاهانه یا ناآگاهانه آن نظریات را رنگ مکتب می‌دهند و عرضه می‌نمایند. امروز که نهضت اسلامی ایران اوج گرفته و مکتب‌ها و ایسم‌ها را تحت الشعاع قرار داده است، هر دو جریان را مشاهده می‌کنیم. هر گروهی را می‌بینیم که واقعاً وابسته به مکتب‌های دیگر بالخصوص مکتب‌های ماتریالیستی هستند و چون می‌دانند با شعارها و مارک‌های ماتریالیستی کمتر می‌توانند جوان ایرانی را شکار کرد، اندیشه‌های بیگانه را با مارک اسلامی عرضه می‌دارند. بدیهی است اسلامی که با محتوای ماتریالیستی در مغز یک جوان فرو رود و تنها پوسته‌ی اسلام داشته باشد به سرعت دور انداخته می‌شود» (مطهری، ۱۳۸۲: ۹۳).

## ۶. فتنه

از نامی‌های دیگری که پیش روی هر انقلابی قرار دارد و آینده‌ی آن انقلاب را با تهدید مواجه می‌سازد وجود فتنه و فتنه‌گران است، در رابطه با انقلاب اسلامی هم یکی از مهم‌ترین آسیب‌های پیش رو، وجود فتنه و فتنه‌گران است. فتنه‌گران همواره به خاطر افکار و اندیشه‌های فتنه‌جویانه‌شان، در برهه‌های تاریخی، به دنبال فتنه و در نتیجه گمراه کردن مردم از حق و عدالت بوده‌اند، لیکن در بعضی از مقاطع تاریخی، تعدد و تنوع فتنه‌ها و دست‌های فتنه‌گر، آشکارتر و نمایان‌تر است (شادمان فخرآبادی، ۱۳۹۳: ۱۲۵). در فرآیند انقلاب اسلامی ایران، امام خمینی  $\text{ؑ}$  مردم را از وجود فتنه‌های

مختلف آگاهی داده است و مردم با بصیرت شکل گرفته به سلامتی فتنه‌ها را پشت سر گذاشته‌اند و در حال حاضر هم با وجود ۳۷ سالی که از انقلاب اسلامی می‌گذرد دشمنان در هر لحظه در صدد شکل‌دهی به یک فتنه‌ای جدید در کشور هستند. امام خمینی ره مردم را از وجود فتنه‌ها در کشور آگاهی داده و در رابطه با فتنه می‌فرماید:

«فرصت طلبان از سویی و مفسده جوینان از سوی دیگر می‌خواهند وانمود کنند که نهضت از پشتیبانی عظیم ملت - پس از پیروزی - برخوردار نیست. و با این حيله شیطانی، مردم ناآگاه را به تردید بکشانند و به خیال خام خود از آب گل-آلود، ماهی بگیرند» (صحیفه‌ی امام، ۱۳۸۵ ج ۹: ۱۰۷).

آیت الله مطهری در رابطه با فتنه به عنوان یکی از آسیب‌های پیش روی انقلاب اسلامی می‌فرماید:

«فتنه که پیدا می‌شود آدمهای فتنه‌جو می‌خواهند آتش فتنه را بالا ببرند و بیشتر کنند ولی اشخاص صالح می‌خواهند کشتی پیدا کنند که چگونه این دریای فتنه را سالم طی کنند» (مطهری، ۱۳۸۹، ۷: ۱۱۵).

#### ۷. ناتمام گذاشتن آرمان‌های نهضت

یکی از نامنی‌های سیاسی پیش روی انقلاب اسلامی ایران که آینده‌ی انقلاب اسلامی ایران را تهدید می‌کند مسئله‌ی ناتمام گذاشتن آرمان‌های نهضت است. در مورد انقلاب اسلامی ایران هر چند وضعیت متفاوت است، ولی هنوز تمام آرمان‌های داخلی و خارجی انقلاب جامعه‌ی عمل به خود نپوشیده است، تلاش در جهت تقویت و اجرای این آرمان‌ها از طریق افزایش آگاهی‌های عمومی و بسیج امکانات، به افزایش اقتدار و استحکام داخلی و نفوذ بین‌المللی انقلاب می‌انجامد (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۱: ۱۷۲). امام خمینی در رابطه با تا تمام گذاشتن آرمان‌های انقلاب می‌فرماید:

«رأی هم به جمهوری اسلامی همه داده‌اند و الان مملکت ما رژیمش رژیم جمهوری اسلامی است، لکن بارأی به جمهوری اسلامی آرمان‌های اسلام تحقق پیدا نمی‌کند، دنبال این رأی عمل هم باید باشد، باید یکی یکی احکام شرع در خارج تحقق پیدا کند» (امام خمینی، ۱۳۸۵ جلد ۸: ۱۰۷).

آیت الله مطهری در رابطه‌ی با ناتمام گذاشتن آرمان‌های انقلاب می‌فرماید:

«و پی کار خود رفته و نتیجه‌ی زحمات او را دیگران و احياناً دشمنان برده‌اند. مانند کسی که زمین غصب شده‌اش را با قدرت و شدت مطالبه کند و با صرف نیرو و بذل مال و جان آن را از دست دشمن بگیرد، اما همین که گرفت برود به خانه خود بنشیند و یک دانه بذر هم در آن نباشد، دیگران بروند از آن به سود خود استفاده کنند» (مطهری، ۱۳۸۲: ۸۷).

#### ۸. دوری از ولایت فقیه

از ناامنی‌های دیگری که انقلاب اسلامی را تهدید می‌کند این است که دشمن با نفوذ خود و تبلیغات سوء خود مردم و مسئولان را از وجود ولایت فقیه مأیوس کند و در این صورت نظامی که بر سرکار خواهد آمد نظامی دیکتاتوری خواهد بود و در این صورت انقلاب اسلامی بی‌معنا خواهد بود و این چیزی است که در حال حاضر نظام استکباری به دنبال آن است، سنگر حفظ نظام ولایت فقیه است و در صورتی که ولایت فقیه نباشد دیگر انقلاب با رویکرد اسلامی خودبه خود بی‌معنا خواهد بود. به خاطر وجود این قضایاست که امام به پشتیبانی جدی از ولایت فقیه تأکید می‌کنند و تکذیب آن را تکذیب اسلامی می‌دانند، ایشان می‌فرمایند:

«این منطق، منطق آدم ناآگاه است، نگوئید ما ولایت فقیه را قبول داریم لکن با ولایت فقیه اسلام تباه می‌شود! این معنایش تکذیب ائمه است. تکذیب اسلام است و شما من حیث لایشر این حرف را می‌زنید» (صحیفه امام، ۱۳۸۵ ج ۱۰: ۵۹).

آیت الله مطهری به بحث ولایت فقیه می‌پردازد و در رابطه با این محور می‌فرماید:

«ولایت فقیه به این معنا نیست که فقیه خود در رأس دولت قرار بگیرد و عملاً حکومت کند. نقش فقیه در یک کشور اسلامی؛ یعنی، کشوری که در آن مردم، اسلام را به عنوان یک ایدئولوژی پذیرفته و به آن ملتزم و متعهد هستند، نقش یک ایدئولوگ است، نه نقش یک حاکم. وظیفه ایدئولوگ این است که بر اجرای درست و صحیح ایدئولوژی نظارت داشته باشد. او صلاحیت مجری قانون و کسی را که می‌خواهد رییس دولت بشود و کارها را در کادر ایدئولوژی اسلام به انجام برساند، مورد نظارت و بررسی قرار دهد» (مطهری، ۱۳۷۴: ۸۵).

پس یکی از ناامنی‌ها پیش روی انقلاب اسلامی این است که فقیه در رأس حکومت نباشد و به

جای ولایت فقیه حکومتی دیگر بر پا گردد و در این صورت است که باید در انتظار انحطاط و عقب ماندگی بود، چیزی که در تاریخ زیاد اتفاق افتاد است.

### نتیجه گیری

انقلاب اسلامی ایران در عمر چند دهه‌ی خود مشکلات عمده‌ای را تجربه کرده است و برای ادامه‌ی روند حیات خود نیاز به این دارد که به بازبینی مشکلات و موانع پرداخته و خطرات و ناامنی‌های فرا روی آن در آینده را بازشناسی کند تا ناامنی‌های پیش روی آن نتوانند مانع بقاء و استمرار حیات آن شوند، البته ناامنی‌های هر دوره ویژگی‌های خاص خودش را دارد و با دوره‌های دیگر متفاوت است، در این میان و در مسیر حرکت، مبارزه با آفات انقلاب از مسائل اساسی است که نیروهای انقلابی باید آن را شناسایی و رفع کنند، بدون تردید هر کشوری پس از انقلابی که در آن شکل می‌گیرد، با چالش‌ها و ناامنی‌هایی مواجه می‌شود و کشور ایران هم از این امر مستثنی نیست. در پژوهش زیر سعی شده بود با توجه به مدل تحلیلی اسپریگنز که چهار مرحله را برای رسیدن جامعه به ایده‌ی مطلوب مطرح کرده بود که مرحله‌ی اول آن بحران و بی‌نظمی و مرحله‌ی دوم شناسایی بحران که در این پژوهش بیشتر مدنظر می‌باشد و مرحله‌ی سوم تجویز دارو و مرحله‌ی چهارم جامعه‌ی مطلوب است، ناامنی‌های فرهنگی - سیاسی که آینده‌ی جمهوری اسلامی ایران را تهدید می‌کنند را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد ولی می‌شد به ناامنی‌های پیش روی انقلاب اسلامی ایران از ابعاد دیگری هم نگاه کرد و آن تجزیه و تحلیل انقلاب از بعد اجتماعی و نظامی است، نگارنده در پژوهش زیر به آناامنی‌های فرهنگی - سیاسی به صورت گسترده با توجه به اندیشه‌های امام خمینی ره و آیت الله مطهری را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است و پژوهش در رابطه با ناامنی‌های دیگر را به مقاله‌ای دیگر محول کرده است، اما نتیجه‌ای که از این پژوهش به دست آمد این که ناامنی‌های در پی انقلاب اسلامی ایران وجود دارند که از آنها تحت عنوان ناامنی‌های فرهنگی - سیاسی یاد می‌شود که آینده‌ی انقلاب اسلامی ایران را تهدید می‌کنند که اگر با توجه به بیانات رهبران انقلاب و بزرگان، مورد توجه قرار گیرند بدون کمترین خسارتی می‌توان از آنها جان سالم به دربرد ولی اگر در برابر این ناامنی‌ها غفلت شود مطمئناً آینده‌ی انقلاب با تهدیدی جدی روبه رو خواهد شد که در متن به صورت گسترده به آن پرداخته شد.

## منابع

۹. امام خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۳)، *وصیت‌نامه‌ی موضوعی*، نشر: موسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۰. امام خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۵)، *صحیفه‌ی امام (۲۱ جلدی)*، انتشارات: موسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۱. احمدی، مجتبی و ابوذر درخشان و حسین همزاده ایبانه (۱۳۸۹)، *از تهاجم فرهنگی تا جنگ نرم*، تهران: انتشارات کیهان.
۱۲. اسدی مقدم، کبری (۱۳۷۴)، *دیدگاه‌های فرهنگی امام خمینی*، تهران: انتشارات ذکر.
۱۳. *بیانات مقام معظم رهبری در دیدار فرماندهان و اعضای سپاه پاسداران ۱۳۷۳/۱۰/۱۵*
۱۴. باقر زاده، محمدرضا (۱۳۸۲)، «آسیب شناسی انقلاب اسلامی»، نشریه‌ی معرفت، شماره ۶۸، ص ۹۶ تا ۱۰۶.
۱۵. جمعی از نویسندگان (۱۳۸۱)، *انقلاب اسلامی و چرایی و چگونگی رخداد آن*، تهران: نشر معارف.
۱۶. حاجی‌زاده، سیروس (۱۳۸۳)، «آسیب شناسی اجمالی انقلاب اسلامی از دیدگاه امام خمینی» فصلنامه‌ی ۱۵ خرداد، شماره ۲، ص ۴۸ تا ۳۰.
۱۷. خان محمدی، کریم (۱۳۸۱)، «آسیب شناسی انقلاب اسلامی ایران از دیدگاه امام خمینی»، فصلنامه‌ی علوم سیاسی، شماره ۲۰، ص ۲۰۳ تا ۲۲۳.
۱۸. خرمشاد، محمدباقر (۱۳۸۰)، «آسیب شناسی انقلاب: نگاهی درون‌گرایانه به چالش‌های یک انقلاب»، فصلنامه‌ی اندیشه‌ی انقلاب اسلامی، شماره‌ی صفر، ص ۵۴ تا ۳۱.
۱۹. رضائی مهر، حسن (۱۳۸۱)، «امام خمینی و احیای تفکر دینی»، فصلنامه‌ی رواق اندیشه، شماره ۹، ص ۳۴ تا ۲۸.
۲۰. رهنمائی، سید احمد (۱۳۷۸)، «آسیب شناسی فرهنگی»، فصلنامه‌ی معرفت، شماره‌ی ۳۰، ص ۳۲ تا ۲۵.
۲۱. شایسته نژاد، علی‌اکبر (۱۳۹۰) «موانع درونی و بیرونی تحقق وحدت مطلوب بین حوزه و دانشگاه»، فصلنامه‌ی معرفت، شماره‌ی ۴، ص ۶۶ تا ۴۸.



۲۲. شادمان فخرآبادی، اعظم (۱۳۹۳)، «بررسی ابعاد فتنه و برخورد امام علی  $\beta$  با فتنه گران»، مجله‌ی بصیرت و تربیت اسلامی، شماره ۲۸.

۲۳. شیداییان، حسین (۱۳۸۱)، *عوام و خواص از دیدگاه امام خمینی*، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، تهران.

۲۴. طاهری، حبیب‌الله (۱۳۶۹)، *انقلاب و ریشه‌ها*، انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی.

۲۵. عیوضی، محمدرحیم و محمدجواد هراتی (۱۳۸۹)، *درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران*، قم: نشر معارف.

۲۶. عبدالسلامی، علی اصغر (۱۳۸۴) «همبستگی ملی و مشارکت عمومی در کلام امام و رهبری»، نشریه‌ی معرفت، شماره ۹۴.

۲۷. کافی، مجید (۱۳۸۹)، *تغییرات اجتماعی در اندیشه سید جمال‌الدین اسدآبادی*، قم: انتشارات حوزه و دانشگاه.

۲۸. محمدی، منوچهر (۱۳۸۳)، *بازتاب جهانی انقلاب اسلامی*، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه‌ی اسلامی.

۲۹. محمدی، منوچهر (۱۳۷۳)، *تحلیلی بر انقلاب اسلامی*، تهران: انتشارات سپهر.

۳۰. مطهری، مرتضی (۱۳۷۲)، *پیرامون انقلاب اسلامی*، تهران: انتشارات صدرا.

۳۱. \_\_\_\_\_ (۱۳۷۲)، *آینده‌ی انقلاب اسلامی ایران*، انتشارات صدرا.

۳۲. \_\_\_\_\_ (۱۳۷۴)، *پیرامون جمهوری اسلامی*، تهران: انتشارات صدرا.

۳۳. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۲)، *بررسی اجمالی نهضت‌های اسلامی در صدسال اخیر*، انتشارات صدرا.

۳۴. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۷)، *آشنایی با قرآن*، انتشارات صدرا.

۳۵. \_\_\_\_\_ (۱۳۷۷)، *یادداشت‌های استاد مطهری*، انتشارات صدرا.

۳۶. میری، مجید (۱۳۹۳)، *تبیین دیدگاه امام خمینی درباره نسبت روحانیت و سیاست*، برگرفته از خبرگزاری فارس:



